

شاهد این قضایا باشید و انتظار ما اینست که صدای مظلوم ملت آذربایجان را در مطبوعات آزاد دنیای دموکراسی انتشار دهید .

حکومت مرکزی تهران استبداد آسیائی را بشدیدترین نوع آن ادامه میدهد . و مانع از رسیدن روزنامه های ما که انعکاسی از ناله و فریاد ملتمان است ، بدست هموطنمان که در دیگر شهرهای ایران هستند ، میباشد . چاپ شدن نامه و تلگرافهای ما را در روزنامه های تهران ممنوع کرده اند . اگر يك نفر با چندتن از این مظلومان و ستمدیدگان صحبت کند و از یکسدم فجایعی که در حق آنها اعمال میگردد ، مطلع شود ، بدون شك متاثر شده و بگوش ملت دموکرات خود خواهد رسانید : که هنوز هم در دنیا يك چنان دولتی وجود دارد که مامورینش تمام قوانین مملکت را زیر پا گذارده و برخلاف تمام قوانین انسانیت موجود در دنیا با آنها رفتار میکنند و در آنجا قانون ، دادگاه و دادستان آلت دست يك مشت اشخاص مستبد ، خودسر و استفاده جو میباشد . وضعیت امروز ایران نتگی است برای دموکراسی جهانی ، بگذار دنیا بدانند برای يك عده مظلومینی که از بیچارگی مظلومیت خود راه آنها اظهار میکنند ، پاسخ گوید .

اینست قسمتی از شکایات از فجایع ماموران دولتی دردهات ما که تا حالا دادگستری باین ظلمها و بی قانونیها که مثنی از فروار میباشد تاکنون ترتیب اثری نداده است :

۱- در ۲۴/۷/۹ ، در یکی از روستاهای محال هنترود بنام ده عجمی ، مالک محمد صادق خان مجتهدی و مباشر او عباس الحین ساسانی با يك عده زاندارم مسلح به دهاتیها حمله کرده ، یکی از زاندارمها بنام " نولفعلی " یکی از روستائیان را از بازویش زخمی کرده و حسن آقا ، غلام ، فتحعلی و مشهدی عبدالله ، چهاردهاتی بیگناه را بگلوله بسته و سوراخ سوراخ میکنند و پنج نفر دیگر از دهاتیان را به طرز شدیدی زخمی میکند که هنوز هم بستری میباشد ، با این همه هنوز قاتلین تحت تعقیب قرار نگرفته اند ولی از دهاتیان بیگناه چند نفری دستگیر و زندانی شده اند .

۲- دردهات قوشا بولاغ و یام بولاغ از محال " کاغذکنان " در تاریخ ۲۴/۷/۷ دوتفر از روستائیان با اسم محرم و قنبر بدست اصلان همایون و استوار ابراهیمی بجرم آزادیخواهی بقتل رسیدند . و در نتیجه حمله مسلحانه زاندارمها دهاتیان با خانواده هایشان به صحرایمیکریزند .

۳- در ده شرابیان " سراب " يك عده زاندارم بفرماندهی گروهبان مقدس ، خانه و اموال روستائیان را به غارت برده و خودشان را کتک زده و جیستان میکنند ، یکی از دهاتیان کشته شده و چندتن سقط جنین میکنند .

۴- در " تیکمه داش " زاندارمها خانه های آزادیخواهان را غارت کرده و دهاتیان بازن و

فرزند به صحراها فرار میکنند .

۵ - در ده " امند " بیست و دو نفر زاندارم به فرماندهی سروان دیبا به مال و جان روستائیان تجاوز کرده که در نتیجه آن ۱۵۰ نفر از دهاتیان بماتند دیوانگان ، از ظلم آنها فراری شده برای نجات خود به فرقه دموکرات در تبریز پناه میآورند .

۶ - در ده سلطان آباد حسن زاندارم و علی نامی با قنداق تفنگ يك زن راجان مورد ضرب قرار میدهند که او را بحال مرگ انداخته و بجهت دوساله این زن زیر ضربات قنداق تفنگ کشته میشود .

۷ - در ده " کل تیه " سروان عابدینی با يك عده زاندارم ، آزادخواهان را بدرخت بسته و کسانیکه بطرف آنها میرفتند دستگیر و زندانی میکردند . در ده " مردانقیم " خانهای مرتجع بازاندارمها دستبندی کرده به خانهای آزادخواهان حمله کرده بعد از غارت اموال و اثاثیه آنقدر بآنها شکنجه میدهند که عده زیادی از آنها به دشت و بیشتهزارهای اطراف میگریزند در نتیجه ضربات وارده از طرف زاندارمها و مترجمین محلی ، به دادگستری و سایر مراجع قانونی که تا امروز تعداد آن از رقم صد نیز گذشته ، اعلام جرم شده است . در تمام این مواقع از مقام مسئول تقاضای تعقیب گناهکاران بر اساس قانون اساسی و اصول دادگاههای جزائی گردیده و همچنین جلوگیری از مداخله غیرقانونی زاندارمها در کارهای حقوقی ، تقاضا شده است .

با اشاره به مجزا بودن قوه قضائی از قوه اجرائی ، دادگستری بخشنامه ای بشماره ۳۵۳۶ و تاریخ ۲۴/۵/۱۱ به اداره زاندارم می ارسال کرده که طی آن بخشنامه عدم مداخله زاندارم در کارهای حقوقی تقاضا شده بود ، زیرا مأمورین آن اداره بجای تامین آسایش مردم به قتل و غارت و برهم زدن آسایش مردم ، برآمده اند .

(شعبه امور اجتماعی کمیته مرکزی فرقه دموکرات آذربایجان)

" آذربایجان " شماره ۵۶ - ۲۵ آبان ، ۱۶ نوامبر

انگشت تهران ، یاعت این جنایات بوده و مردم ، بخصوص روستائیان را به تنگ آورده و آنها را وادار به يك مبارزه شدید و خونین میکند . بجاست گفته شود که فرقه از ۳۰ مهر تا ۲۰ آذر همیشه روستائیان را بسکوت دعوت میکرد چون بدست آوردن صلح از راه صلح آمیز ضروری میشد . اما انگشت تهران در جنایات خود بحدی سماجت و اصرار کرد که بالاخره فرقه ناگزیر شد به روستائیان فرمان دفاع از خود را صادر کند که در نتیجه آن دسته های فدائی بمیدان آمدند .

تأثیرکنگره اول

اولین کنگره مان در میان مردم تأثیر بزرگی گذاشت، بدین ترتیب ملتمان درک میکرد که برای خود یک مرکز ثقل و یک پشتیبان و بعبارتی صحیح تر نیروی رهبری کننده واقعی یافته است. بنابراین باز هم مانند اوایل تشکیل فرقه، تلگرافات تبریکه ازیر شد.

اگر تصمیمات و مرامنامه تصویب شده در آنرا از نظر بگذرانیم، میبینیم که این کنگره یک اجتماع ساده نبوده بلکه امروز با پذیرفته شدن نهضت از طرف دوست و دشمن، صدای این نهضت بگوش دنیا رسیده و فرقه با تهیه و تدارک نقشه ها و تدابیر آن، واقعا زل یک ستاد جنگی و انقلابی را بجا آورده است. بدین جهت میتوانیم بگوئیم که باخاتمه کنگره نهضت ملی بفعالیت شروع کرده و موفق شد بصورت منظمی خلق را تحت تشکیلات در آورد.

تهران لرزید صدر سرنگون شد

مابوس شدن فرخ از آمدن به تبریز و پیشرفت فرقه در کارهای روزمره، در محیط تهران هراس شدیدی بوجود آورد. در نتیجه مرتجعین دست و پاگم کرده مجلس، صدر را برکنار کردند. بین هیئت حاکمه ارتجاعی دو مبارزه شدید شروع شد. یککسته میخواست نهضت ما را بزور اسلحه و پلیس سرکوب کرده و از بین ببرند، اینها میخواستند بوسیله تقویت ارتش و ژاندارمری و پلیس از طرفی مردم را مرعوب ساخته و از طرف دیگر در پی فرصتی بودند تا رهبران نهضت را از بین ببرند. دسته دیگر به حيله و نیرنگ متوسل شده و میخواستند با اغفال مردم و با فرستادن استادان خوب و با وعده های شیرین به سردرگم کردن مردم بپردازند و اتفاقا هر دو دسته در نتیجه نفوذ عمیقی که در تشکیلات دولتی داشتند موفق به اجرای نظرات خود بوسیله مأموران معینی میشدند.

بدین ترتیب بقول فارسها بصورت "کوسه وریش پهن" در آذربایجان ظاهر میشدند.

مثلا: از یکطرف بوسیله سرهنگ و هرام ها، پرویزی ها و زنگنه ها مردم رادشهرها و دردهات کتک زده و تحت فشار قرارداد و از با درمی آوردند و از طرف دیگر توسط حاکم السلطان بیاتسی که بخلامت معروف بود و بعنوان استادار تعینش کرده بودند، سفارش داده میشد که بارهبران نهضت سازش کرده و برای اغفال مردم وعده های اصلاحات بزرگ داده و بکار پردازد.

این سیاست (کوسه و ریش‌پهن) آنها برای مردم پنهان نمی ماند و باعث تقویت تبلیغات و فعالیت تشکیلاتی فرقه‌مان میگردد و در محیط ما تشنج شدیدی موجود می‌آورد .

در راه تشکیل حکومت ملی

کار نمیتوانست در يك چهارچوب ساده متوقف گردد ، فرقه‌ایکه با شعارهای ملی و دموکراتیک مردم را بحرکت درآورده بود نمیتوانست تنها به حرف قناعت کند . از طرفی هم عملاً گذشت نداشت با رفتن کابینه صدرالاشراف کابینه حکیمی روی کار آمده و چنان تحت تاثیر مرتجعین فراری تیریز که با مرتجعین تهران دست‌بیکری کرده بودند، قرار گرفته بود که حتی مایل بشنیدن حرفهایمان نبود و میخواستند تشکیل ساده انجمنهای ایالتی قید شده در قانون اساسی را با سفله از بین ببرند .

کمیته مرکزی فرقه با در نظر گرفتن این اوضاع ، کارهای هیئت حاکمه تهران را بصورت دقیق تعقیب مینمود و برای اجرای امرنامه از حرف به عمل روی آورد .

از يك طرف لزوم تشکیل دسته‌های فدایی بین روستاایانی که از دست راندار مهاجرانشان بلر سیده بود ، عیان شد و از طرف دیگر برای جامعه عمل پوشاندن به آرزوهای مردم لزوم ایجاد تشکیلات دولتی ملی ظاهر گردید . این ضرورت بدون وقفه با مسئولیت آقاي پیشه‌وری آغاز شد و تمام اعضای فرقه مخصوصاً رهبران تشکیل دهنده ارکان کمیته مرکزی ما برای رسیدن باین هدف به فعالیت وسیعی شروع کردند . در نتیجه این فعالیت ، تشکیلات نولتی موجود در آذربایجان متزلزل گشته و روز بروز ضعیف تر شده و بالاخره در آذربایجان عملاً دو حکومت برقرار شد که یکی از اینها روز بروز با قدرت و با نفوذتر میشد که این فرقه دموکرات بود و دیگری سنگرهای خود را یکی بعد از دیگری ترک کرده و مجبور به عقب‌نشینی میگردد و این تشکیلات دولتی میبود .

عاقبت کار بآنجا کشید که فرقه برای عادت دادن اعضا خود به صبر و متانت و رفتن عاقلانه ، از قلم صدر فرقه مقاله زیر نوشته شده و در روزنامه آذربایجان انتشار یافت :

فضولی موقوف

آنچه که بگوش ما رسیده است ، مهمان ناخوانده ، رئیس شهرداری شروع به کارهای غیر-

قانونی نموده، بجای انجمنهای شهر که بصورت قانونی و از طرف خلق انتخاب شده‌اند، بوسیله اعضاء انجمن سابق که هشت ماه قبل موعده به پایان رسیده، اقدام به بعضی کارها کرده‌است. زمان این قبیل فضولی‌ها گذشته‌است، شهردار نباشد مقامی بالاتر از او باشد، خلق آزر-بایجان به این چنین دیکتاتوری و بی قانونی‌ها اجازه نخواهد داد.

آقای شهردار باید یکبار برای همیشه بداند که اینجا آذربایجان است و دیکتاتوری را از اینجا یعنی مرکز آذربایجان نمی‌توان شروع کرد، بوسیله انجمن هاشیکه موعده تمام شده و یا توسط مجلس شورای ملی، نمیتوان حتی یک دینار از مال مردم را خرج کرد. این بمناسبت با اعمال کردن قانون اساسی میباشد. کماتیکه باین اعمال دست بزنند هر کسی باشد خاشن و مجرم است و باید به دادگاه جلب شود. ما بوسیله داستان و بموجب قانون نظر مقامات صلاحیتدار را به این دزدی بزرگ و جدی و خیانت‌ها جلب میکنیم. حتی بابای وزارت کشور هم باشد، نمیتواند استقلال انجمنهای شهری را برهم زند، اگر مقامات صلاحیتدار فوراً به جلب این قدر مستبد به محکمه اقدام نکنند، خلق که باصلاحیت‌تر از آنهاست از حقوق خود دفاع خواهد کرد. فضول‌یاشی‌ها باید بفهمند که بدین آسانی با اعمال کردن حقوق یک شهر بزرگ برایشان ارزان تمام نخواهد شد. اجرای نقشه فرخ بدین سادگی امکان پذیر نیست. شهر ما که برای انجام کارهای خودش انجمنی انتخاب کرده، تا حالا نزاکت را مراعات نموده و تا با امروز منتظر شروع کار آن بوده است. وزارت کشور که در دست مشیدان و خاشنین و مرتجعان میباشد، بصورت کجدار و مریز ائتلاف وقت کرده و در آخر با فرستادن این تحفه برای از بین بردن حقوق حقه مردم تلاش میکند. بادر نظر گرفتن این مسئله از اجلاس عمومی و مداوم کمیته مرکزی بصورت جدی تشکیل انجمن قانونی شهر را تقاضا میکنیم.

بگذار تهران یکبار به تکلیف خود را فهمیده و بداند که این چنین فضولی‌ها را در آذربایجان نمی‌تواند از سر بگیرد. " پ "

این مقاله در ۱۸ آبان ماه نوشته شده بود و لحن مقاله نشان میداد، در حالیکه فرقه دارای حداقل قدرت و اقتدار بود، ما مورین حکومت بطرز فوق العاده ای دچار تعف و بیچارگی شده بودند. اگر فاصله بین ۱۸ آبان تا ۲۹ آذر را، که فاصله زیادی نیست، در نظر بگیریم متوجه خواهیم شد که فرقه تاجه حد خود را برای برداشتن گامهای مؤثر آماده کرده و موفقیت قدمهايش را بطور صد درصد تامین کرده بود.

دو روز بعد از انتشار این مقاله یعنی در ۲۰ آبان بازم در همان روزنامه به یک چنین

مقاله‌ای برخورد میکنیم:

شعارهای دوره‌ی دوم

در آخر مقاله ای که تحت این عنوان بتحریر درآمده چنین نوشته شده است:

" شعارهای امروزی ما ، تشکیل انجمنها و شروع فوری انتخابات دوره ۱۵ مجلس میباشد . این امر ، يك ام سیاسی بزرگی است و این کار فرقه را به خلق نزدیک کرده و امریست که فرقه را به مقام رهبری واقعی میرساند . هیچ فرقه‌سیاسی (حزب‌سیاسی - م . م) نمیتواند تنها با اتکا به اعضایش به خواسته‌های خود برسد . هرچه بیشتر در امور مربوط به خلق ماسعی صرف کرده و آرزوهای خلق را در يك دایره بزرگی درك نموده و به عملی شدن آنها بکوشد ، باز هم بیشتر به خلق نزدیکتر شده و از قدرت لا یزال آن بیشتر بهره‌مند خواهد شد .

در دومین دوره از کارکنان فرقه این را طلب میکنند :

با ترتیب دادن کنفرانس‌های وسیع و میتینگهای بزرگی ، معنای اصلی انتخابات انجمنها و مجلس را به خلق تفهیم کرده و آنها را در این راه به مبارزه حاضرکنند .

در يك کلام ، دوره ایجاد خاتمه یافته و دوره تبلیغات و عمل شروع شده است . از این روز فرقه برای کسب قدرت سیاسی مبارزه میکند . کسب قدرت سیاسی از طریق انتخاب اشخاص آزادخواه و دموکرات به نمایندگی انجمن ها و مجلس امکان پذیر است ، و این راهیج عضو فرقه نباید فراموش کند . " پ "

بدین ترتیب فرقه خود را برای حمله آماده میکند و بوسیله زبان فرقه یعنی روزنامه آذربایجان لحن خود را تغییر داده و خلق را به قیام و مبارزه عملی فرامیخواند . از مقالاتی تحت عنوان " ثروت آذربایجان باید در خود آذربایجان بماند " و " کرها بشنوند و کورها ببینند " آغاز نهضت بزرگی عملاً آشکار میشود . مخصوصاً در مقاله آخر آقای پیشه‌وری میتوسید که بمشله بستگی به تبلیغات و مقاله ندارد ، مقاله‌ها در مطبوعات میتوانند فقط انعکاس فعالیت‌های فرقه و نهیتمان باشند .

از این دوره یعنی از روزهای آخر آبان فرقه طبق يك نقشه معین شروع به حرکت میکند . در ۱۷ آبان ماه در اجلاس به عمومی کمیته‌مان تصمیم گرفته شد که دیگر از حریف وارد عمل شویم . از يك طرف حمله دسته‌های فدائی و از طرف دیگر وسایل ایجاد تشکیلات دولتی تأمین

گردد - بالاخره قیام ۲۱ آذر بطور قطعی تعیین میگردد . در قلمنامه اجلاسیه عمومی صریحاً بدون درانتظار تهران ماندن ، تصمیم انتخابات انجمن ایالتی و محلی اتخاذ میگردد .

تصمیمات :

۱ - بیاننامه مشهور فرقه و شعارهای اولین کنگره فرقه ، در ایران بطور اعم و در آذربایجان بطور اخص ، تاثیر زیادی گذاشته و جریانات آزادی خواهی و دموکراتیک را قوت بخشیده است . این امر از طرف اجلاسیه عمومی با شادی مورد توجه قرار گرفته و تصمیم به عملی ساختن شعار - هایمان گرفته میشود . تحقق این شعارها و تأمین حق خودمختاری ملی خلق آذربایجان بوسیله شروع به تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی و انتخابات مجلس شورای ملی بدون فوت وقت امکان پذیر است .

۲ - از آنجا که فرقه به دوره ایجاد، خاتمه داده ، حالا میتواند شروع به کارهای تبلیغاتی وسیع کرده و برای جمع کردن خلق در اطراف فرقه ، میتینگها و اجتماعات بزرگی تشکیل دهد و برای اداره این میتینگها ، شروع فعالیت فعالین جدی فرقه که از قبل آماده شده اند لازم است .

۳ - با تأکید بر انتخابات انجمن های ایالتی و ولایتی توسط نیروی خود خلق را ضروری شمرده و کمیته در آینده نزدیکی بایستی کنفرانس بزرگی با شرکت تمام نمایندگان خلق آذربایجان برقرار کند .

۴ - جهت وابستگی کامل اعضاء ثبت نام کرده در فرقه ، در اسرع وقت کارت عضویت هاشی تهیه شده و بوسیله تمبری که از طرف کمیته مرکزی تهیه شده حق عضویت اعضاء جمع شود .
۵ - برای تحکیم کارها در بین جوانان ، افراد مسئولی تعیین گردد که بین آنها سه کار جدی پرداخته تا جوانان را برای فعالیت های آینده آماده سازند .

۶ - در روستاها از حلقه غیرقانونی زاندارها به دهاتیان بوسیله قدرت عموم مردم جلوگیری شود . در همین تاریخ در روزنامه آذربایجان باین مقاله هم برخورد میکنیم :

اجتماعات بزرگ خلق

برای بحث درباره تشکیل انجمن های ایالتی و ولایتی و انتخابات مجلس در شهرها اجتماعات

و سببی از مردم دعوت شده است، تشکیلات فرقه رهبر واقعی خلقمان به این اجتماعات نظارت میکند. طبق اطلاعات رسیده در قصبه ها و روستاها نیز این اجتماعات بچشم مینورند .
بدین ترتیب آذربایجان ثابت میکند که يك ملت زنده ای است . مأموران جاهل و نادان حکومت تهران بعد از تشکیل فرقه برای از بین بردن شاخ و برگ آن در دهات به تدا بیرو حدیانه ای که تفرقه گریز برای انسانیت دست زدند .

خوشبختانه تشبثات آنها به نفع فرقه تمام شد و مردم را دردهات هرچه بیشتر بمسأ نزدیکتر کرده و بدین ترتیب فرقه مان در دهات هرچه سریع تر ریشه میدواند . درست است که صدها زحمتکش روستائی از ظلم زاندارمها به کوهها پناه برده اند و اینهم درست است که ما نتوانسته ایم به روستائیانی که اهل و عیالشان را برداشته و به فرقه پناه آورده اند، کمکهای زیادی بکنیم ، ولی روستائی درک کرده است که بدبختی و فلاکت آنان موقتی است . با وجود آمدن انجمن های ایالتی و ولایتی به این حنا پشها میشود بزودی خاتمه داد . بنا بر این دهاتی ها ، تشکیل هرچه سریعتر این انجمنها را با تمام نیروی خود طلب میکنند .
ما میبدانیم که قوای مرتجع از اقدامات خود برای نگهداشتن خلقمان در زیر یوغ اسارت و برای جلوگیری از اجتماع بگرد تشکیلات ملی صرف نظر نخواهد کرد . اما فرقه با اتخاذ يك روش درست و متین آرزوهای آنها را در دلشان گذاشته و امید آنها را به یأس مبدل خواهد کرد .

در حال حاضر در آذربایجان دو جریان موجود است : یکی مأموران دولتی که برای جمع آوری مال و مکتب، خلق را مورد ضرب و شتم قرارداد و خفه میکند ، دیگری نیروهای ملی که عملاً برای زنده نمودن اصول آزادی و دموکراسی میکوشند . اولی بخاطر تکیه به ظلم و بیدادگری روز بروز ضعیف شده از میدان بدر میرود و دومی با مبارزه قهرمانانه خود سعادت و خوشبختی انسانها را تأمین و قدرت و نیرو کسب نموده و به پیش میرود و خلق را بگرد خود جمع و بنای قدرت ملی آینده را محکم ترمیند .

دیگر جنبش بزرگ ملی شروع شده و برای تأمین آزادی زمان اجرای شعارهای ملی فرارسیده است . دیگر به تهمتها و افتراها کسی گوش نمیدهد . چهره کسانی که به فعالیت جدی دو ماه و نیم فرقه تهمت میزدند آشکار شده و درست و صحیح بودن راه فرقه مان با ثبات رسیده است اکنون همه واقفند که برخلاف گفته های دشمنان، فرقه دموکرات، فرقه ای است که درجهت منافع استقلال و تمامیت ایران گام برمیدارد ، اکنون دوست و دشمن فهمیده اند که مختاریست ملی ، تجزیه طلبی نیست . هیچ کس جدائی آذربایجان را از ایران نمی خواهد ، و آنرا

به بیگانگان نمی فروشد ، تمام این گفته ها برای خفه کردن آزادی از طرف مرتجعین بوجود آمده و تهمت های خاشنا نه ای بیش نیستند .

خلق آذربایجان بصورت خیلی ساده و طبیعی اداره امور سیاسی و اقتصادی و اجتماعی خود را خواستار بوده و با نیروی بازوی خود جهت گشودن راه ترقی و تکامل برای ملت خود فعالیت میکند . هدف از اجتماعات و میتینگهایی که آذربایجان را دربر گرفته اینست که :
 " تا بحال درباره آزادی ، اتحاد و دموکراسی سخنان زیادی گفته و شنیده شده و وعده های شیرینی داده اند . اما دیگر خلق به حرف اعتقاد ندارد و کاملاً محققانه طالب عمل است . تا به امروز فرقه هاشمی تحت نام های مختلفی بوجود آمده اما نتوانسته اند برای خلق عملی از خود نشان دهند . ولی فرقه مان میخواهد شعارهای بزرگ را عملی سازد ، مقصود از میتینگها نیز همین است . "

خلق بصورت کاملاً واضح ، خواستار تشکیل انجمنهای ابالتی و ولایتی است و برای پایمال شدن قانون اساسی مان ، خلق شروع انتخابات دوره پانزدهم مجلس را تقاضا میکند و رهبری این امور را از فرقه انتظار دارد .

معنای اجتماعات و میتینگهای مداومی که در آذربایجان برگزار میشود همین است . " پ " بدین ترتیب تمام خلق آذربایجان بپاخاسته و در دهات ، قصبات و شهرها میتینگهای ۱۰ هزار و ۲۰ هزار و ۵۰ هزار نفری تشکیل داده و قرارهای کتبی صادر کرده و در آن قرارها خواستار تأمین تشکیل انجمنهای ابالتی و مختاریت ملی مان میباشند . اجتماعاتی که از طرف اکثریت مردم تشکیل شده کارشان را تنها به صدور قطعنامه محدود نکرده و برای گرفتن حق خود وارد عمل شده و نمایندگان خود را انتخاب کرده و به کنگره ای که در تبریز تشکیل شده میفرستند .

بدین ترتیب کنگره بزرگ خلق آذربایجان تشکیل میگردد .

کنگره در ۲۹ آبانماه در ساعت ۱۰ صبح در محل تأثر شیر و خورشید شهر تبریز برپاست . سنی برادر ستارخان سردار ملی افتتاح میشود . یکی از مجاهدین قدیمی آقای سعید دیوان از طرف آزادیخواهان آذربایجان به کنگره تبریک میگردد . سپس نمایندگان سایر شهرها با سخنان آتشین و باحرارت خودشان به کنگره پیام داده و آنگاه اولین جلسه بگزارش کمیسیون تبریکات و اعتبارنامهها اختصاص می یابد ، بعد از ظهر ، آقای پیشه‌وری راجع به وضعیت عمومی و وظایف کنگره سخنرانی میکند ، نقلی وی با کف زدن ها و هورای ۸۰۰ نماینده خلق بارها قطع میگردد و بدین ترتیب نمایندگان اعتقاد خود را به سیاست فرقه مان با اثبات رساندند .

نقلی آقای پیتهوری با این جملات پایان مییابد :

" ما دیگر خواهان اداره کردن خودمان هستیم . ما جدائی آذربایجان را از ایران نخواستیم بلکه مختاریت داخلی آذربایجان را طلب میکنیم . اینجا آذربایجان است نه هندوستان ، آذربایجان تاریخ منعمی دارد و يك ملت زنده ای است ، ملت آذربایجان به تاریخستارخان باقرخان و شیخ محمد خیا بانی ها داده است . او دارای تاریخ پرافتخاری است . ما از مختاریت ملی صحبت میکنیم . ما خواستار اداره تجارت ، بهداشت و فرهنگ و پست و تلگراف و انجام تمام کارها بوسیله خلقمان هستیم . آزادی گرفتنی است نه دادنی . اگر در جلوی خلقمان با اسلحه ظاهر شوند ، بگذار این کنگره ملی جهت دفاع از هیئت ملی خود ، نیروهای مسلح ملی جوانان خود را بوجود آورد . (تمام سالن بها خاسته و کف زدن ها و هورای ممتدی چند دقیقه بطول انجامید .)

این هوراها و این بیباختن ها ، شرکت واقعی خلقمان در قیام نهضت بود ، و واقعا هم این آغاز نهضتمان بوده و معنای قیام ملی هم همین است .

این کنگره با بیانیه (مراجعنامه) تاریخی خود به مقامات صلاحیتدار و نمایندگان دول خارجی رجوع میکند . اگر باین مراجعنامه دقت کافی بکنیم ، پایه تشکیل دهنده سبباً امروزی ما آشکار میگردد .

عین بیانیه (مراجعنامه) چنین است : عنوانها " ؟۰۰۰ "

" کنگره ملی در روزهای ۲۹ - ۳۰ آبان ماه امسال در سالن شیر و خورشید شهر تبریز با شرکت ۷۰۰ نماینده که با امتزای ۱۵۰ هزار نفر در متینگهای عمومی شهرها و حومه های آذربایجان انتخاب شده بودند تشکیل گردید و این کنگره در چهارمین اجلاس خود با اتفاق آراء ، خواسته های اساسی خود را بوسیله اعلامیه ای که مواد آن در زیر میآید به حکومت مرکزی ایران اطلاع میدهد :

۱ - خلق آذربایجان بدلیل بیستار تاریخی و حوادث بزرگی که ذکر آن اینجا امکان پذیر نیست ، صاحب ملیت ، زبان ، آداب و رسوم و سایر مشخصات ویژه خود می باشد . این خصوصیات با و حق میدهد که با مراعات استقلال و تمامیت ایران ، بنا به اعلامیه آتلانتیک

مانند تمام ملل دیگر دنیا در تعیین سرنوشت خود آزاد و مختار باشد .

۲ - کنگره با در نظر گرفتن اینکه خلق آذربایجان با دیگر ایالات و ولایات ایران رابطه سیاسی ، اقتصادی و مدنی دارد و نظر به فداکاریهای این خلق در رابطه با تأسیس دولت ایران (در واقع دولت فغلی ایران بوسیله آذربایجانها تأسیس شده است) ، خواستار تقاضاهای مشروع که عبارت از مختاریت ملی است ، میباشد و بهیچ وجه راضی نیست که اجرای این خواستها بر اساس خلل وارد کردن به مرزهای ایران و تجزیه آن پایه گذاری گردد .

۳ - خلق آذربایجان با تمام قوا طرفدار اصول دموکراسی میباشد که در ایران شکل متروکه بخود گرفته است . آذربایجان مانند تمام استانها و شهرهای ایران به مجلس شورای ملی نماینده خواهد فرستاد و در پرداخت مالیات عادلانه شرکت خواهد کرد .

۴ - خلق آذربایجان رسماً و علناً اعلام میدارد که مانند تمام ملل زنده دنیا (با حفظ استقلال و تمامیت ایران) برای اداره امور داخلی خود ، حق تشکیل حکومت ملی را دارد . و نتایج آنجا شیکه میتواند ، حق دارد با حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران با اصول دموکراسی و حاکمیت ملی ، آذربایجان را اداره کند .

۵ - خلق آذربایجان با زحمت بسیار و قربانیهای بیشمار در راه آزادی و دموکراسی داده و میخواهد حکومت خود مختاری بر اساس دموکراسی برپا سازد . بنا بر این بوسیله نظام - نامه داخلی تصویب شده از طرف کنگره ، قصد دارد مجلس ملی خود را انتخاب کرده و حکومت ملی و داخلی خود را از بین نمایندگان این مجلس انتخاب کند که در مقابل آن مشغول باشند .

۶ - خلق آذربایجان به زبان ملی و مادریش علاقه بخصوصی دارد . تحمیل زبان دیگری آنها از کاروان ترقی و تمدن عقب نگه داشته و راه رشد فرهنگ ملی را مسدود کرده است . برای جلوگیری از این تحمیل ناروا و برای بوجود آوردن وسایل لازم برای پیشرفت آذربایجان کنگره ملی خلق آذربایجان به هیئت ملی دستور میدهد که : در مدت خیلی کوتاه در تمام ادارات دولتی زبان آذربایجانی را مرسوم نموده و تدریس آنرا در کلیه مدارس (خواه دولتی - خواه ملی) عملی نماید .

۷ - کنگره ملی آذربایجان متشکل از ۷۰۰ نماینده و با مضای ۱۵۰ هزار نفر با اراده ملت آذربایجان ، خود را مجلس موسسان اعلام میکند ، برای اداره امور داخلی آذربایجان بسک هیئت ملی ۳۹ نفری انتخاب مینماید و بآن اختیار میدهد که تدابیر لازم را برای عملی کردن خواسته های ملت اتخاذ و با مقامات صلاحیتدار وارد مذاکره شوند و همزمان با آن انتخابات مجلس ملی آذربایجان و همچنین مجلس شورای ملی را اجرا نمایند .

درخاسته ، کنگره نظر دولت ایران و دول بزرگ و دموکرات دنیا را جلب کرده و اظهار میدارد که برای اجرای این موارد فقط به تبلیغ و تشکل اقدام نموده و به جنگ داخلی و ریخته شدن خون برادر اجازه نخواهد داد ، ولی اگر دولت مرکزی بخواند با توسل به قوه قهر و اسلحه حق قانونی و طبیعی ما را با اعمال کند ، در آن صورت ناچاراً بهر قیمتی شده از حق خود دفاع کرده و تا آخرین نفر در راه مختاریت ملی مبارزه خواهیم کرد .

مجلس موسسان " کنگره ملی " به هیئت ملی اختیار میدهد که برای تأمین مختاریت آذربایجان یا مقامات سلاحتدار را بطله برقرار سازد . این مسئله باید از راه صلح و مسالمت حل گردد . ضمناً هیئت ملی بهیچ وجه اختیار صرف نظر کردن از وجود حکومت ملی و مختاریت آذربایجان و استقلال و تمامیت ایران را ندارد .

ما آرزو داریم که تمام عالم دموکراسی بدهاند که در دنیا . ملتی هست که یا تکیه به تمام نیروی خود حاضر شده از حقوق خود دفاع نموده و در یک گوشه آنها پرچم آزادی و دموکراسی را به اهتزاز در آورده و میخواهد تنها یا تکیه به نیروی خود آزادی خود را تأمین کند . امیدواریم مقامات سلاحتدار دولت ایران و سایر دول دموکرات منظور ما را درک کرده و از کمکهای نوع پرورانه خود که اساس منشور آتلا نتیک بر آن پایه گذاری شده منافع نمانند . با احترامات فائقه " هیئت رئیسه مجلس موسسان " (کنگره ملی)

جالب توجه تر از مراجعتنامه ، قرارهای کنگره است که ما برای استفاده مبلغین در اینجا درج می کنیم :

تصمیمات مجلس ملی مؤسسان آذربایجان

کنگره بزرگ ملی خلق آذربایجان در روز سه شنبه ۲۹ آبان ماه بعد از مذاکره در ساراه گزارش آقای پیشه پوری در رابطه با اوضاع عمومی ایران ، تصمیمات زیر را با اتفاق آراء اتخاذ کرد :

- ۱- در سایه فداکارهای بزرگ ملل دموکرات ، نیروهای طرفدار و مبلغ دیکتاتوری ، زورگویی و نژاد پرستی بطور ابدی از میان برچیده شده و این امکان را بوجود آورده که ملت‌ها بتوانند حاکم بر سرنوش خود باشند . در این حال ، خلق آذربایجان هم بعنوان یک ملت تنها - خاسته و با تکیه به نیروی خود میخواهد حاکم بر سرنوش خود باشد .

۲ - خلفان جهت جلوگیری از سوءتفاهمات و تهمت‌ها اعلام میدارد ، درعین حالیکه مقدرات خود را بدست‌میگیرد ، از ایران جدا نخواهد شد و حفظ برادری با تمام خلقهای ایران را وظیفه خود می‌شمرد .

۳ - کنگره ملی برای جلوگیری از افترا و تهمت‌های دشمنان آزادی، بروشنی و آشکارا شایعه‌های حدائی آذربایجان را از ایران و با ملحق شدن آن را بیک کشور دیگر، بطور جدی تکذیب میکند .

۴ - خلق آذربایجان به اصول مشروطه وفادار مانده و برای اجرای اصول دموکراتیک قانون اساسی فعالیت خواهد کرد .

۵ - مردم آذربایجان ضمن مراعات قوانین عمومی مشروطیت جهت تأمین مختاریت و اداره امور داخلی با استفاده از قانون اساسی ، تشکیلات انجمن ایالتی را قدری توسعه داده و به آن شکل مجلس ملی میدهد و بی آنکه به تمامیت و استقلال ایران خللی وارد نماید ، حکومت ملی خود را در داخل ایران بوجود می‌آورد .

۶ - بنا به فرارهای میتینگهای بزرگ، کنگره خلق ، خواستار فوری انتخابات مجلس ملی، انجمن‌های ولایتی و مجلس شورای ملی تحت اقدامات و رهبری فرقه دموکرات آذربایجان میباشد .

۷ - حاکمیت هرملتی بر مقدرات خود وقتی امکان پذیر است که آن ملت برای اداره سرزمینی که در آن زندگی میکند دارای قوانین اساسی باشد . ما بخوبی میدانیم مرتجعینی که در تهران متمرکز شده‌اند ، ب مردم ما این اختیار را نخواهند داد، بلکه بمنظور تحمیل اراده‌خائنانه خود به سرتاسر کشور ، از ایجاد موانع برای ما چشم‌پوشی خواهند کرد . بنا بر این کنگره بزرگ ما جهت عملی ساختن آرزوها و خواسته‌های خلق ، قدمی جدی برداشته و خود را مجلس مؤسسان مینامد و برای پایه‌گذاری استوار مختاریت ملی ، مجلس ملی تشکیل میدهد .

۸ - طبیعی است که بدون داشتن مختاریت سیاسی ، ملی ، اقتصادی و فرهنگی مختاریت ملی کلمه بوجبی بیش نیست و از همین نقطه نظر است که مجلس ملی بدون فوت وقت، ضروری میدانند که یک حکومتی بوجود آید و مستقیماً امور داخلی مان را اداره کند .

۹ - کنگره ملی یک هیئت ملی مرکب از ۳۹ نفر انتخاب میکند که انجام انتخابات مجلس ملی و تشکیل حکومت ملی و اجرای تصمیمات کنگره ملی را تا تشکیل مجلس و دولت ملی بعهده خواهد داشت .

۱۰ - تاروی که این هیئت ملی تشکیل میگردد ، مجلس ملی امور ملی خلق را انجام داده و بعد از تشکیل آن ، وظیفه مجلس ملی خاتمه خواهد یافت .

- ۱۱ - کنگره ملی جهت انجام انتخابات در مرکز و شهرستانها و تأمین امنیت به هیئت ملی اختیارات وسیعی میدهد .
- ۱۲ - کنگره ملی از مأمورین دولتی که در رأس ادارات قرار دارند ، میخواهد که تابع هیئت شده و راهنماشها و نظارت آنها را اطاعت کنند . کسانی از مأمورین دولتی که خود را حاکم مطلق دانسته و برخلاف نظر هیئت ملی رفتار نمایند ، باید هر چه زودتر از ادارات دولتی اخراج شوند .
- ۱۳ - کنگره ملی ، اجباری شدن تدریس زبان آذربایجانی را در تمام مدارس دولتی بعهده هیئت ملی گذارده و کسانی را که مانع اجرای این وظیفه ملی میگرددند ، دشمن خلق آذربایجان تلقی کرده و برای معانعت از اقدامات اجتماعی و خاثنانه آنها تدابیر لازم اتخاذ کنند .
- ۱۴ - کنگره ملی انحلال تشکیلات پلیس و ژاندارمری و ارتش را در نظر ندارد . آنها لباس و درجه خود را حفظ کرده و با انجام وظایف خود ادامه خواهند داد . لکن اگر علیه مختاریت ملی ما عملی از رؤسای آنها سرزند به هیئت ملی اختیارات داده میشود برای جلوگیری از خیانت آنها تدابیر جدی اتخاذ نماید . ۳

هیئت ملی

کنگره بزرگ، متشکل از ۸۰۰ نفر نماینده ، که از طرف تمام خلق با اختیارات وسیع انتخاب شده بودند ، تشکیل شد که فوق العاده منظم ولی پرسرو صدا گذشت . نمایندگان برای اظهار دردهایشان که تازه باز شده بود، از همدیگر سبقت میجستند .

شعارهای مطرح گردیده در کنگره بر روی ایجاد حاکمیت خلق بود . در بعضی مواقع در نتیجه احساسات برجوشی ، تمایلی ایجاد میدید که کنگره از چهارچوب شعارها بمان خارج شود . لیکن رهبری فرفه جلوی این افکار و احساسات اشتباهی را گرفته و کنگره را به مجرای صحیح هدایت میکرد . بطور مثال آقای پیشه‌وری در پاسخ نظریه اشتباه یکی از نمایندگان که از انقلاب سرخ سخن میگفت، چنین اظهار داشت : من شعارهای روز گذشته و خواستها بمان را باز تکرار میکنم : ما خودمان را جدا از ایران نمیدانیم ، ما میخواهیم مشروطیت را زنده کنیم . لازم است رقای سخنان این موضوع را مراعات نمایند . دشمنان ما تهمت‌های گوناگونی بمان میزنند، مثلا ، رادسو ترکیه میگوید که : در تبریز عصیان کنندگان ادا باث را اغفال کرده‌اند . ما دستگاه رادبوشی نداریم که بدنیا اعلام نمائیم که اینها همه اش افسرا و

مزخرفات است. ما با استقلال ایران علاقمند هستیم. ما فقط بخاطر گرفتن مختاریت ملی برای آذربایجان اقدام میکنیم و در این راه تا آخرین نفر مبارزه خواهیم کرد. اکنون باید سخنراناً این موضوع را کاملاً رعایت نمایند.

از فعالان پنهانی کنگره بعنوان نمونه يك قسمت از مذاکرات جلسه سوم آنرا در اینجا میآوریم:
 آقای الهامی: مملکت مشروطه از مجلس و انجمن ها تشکیل میگردد و اساس آن، مجلس موسسان میباشد. انتخاب و تشکیل این کنگره که از طرف عموم ملت آذربایجان است، همانا وظیفه مجلس موسسان را ایفا میکند. نمایندگان محترم حاضر در اینجا باید به وظایف سنگین خود واقف باشند. همانطوریکه رهبر محترم ما آقای پیشه‌وری در نطق خود اظهار داشتند: هر فرد آذربایجانی بیشتر از هر فرد ایرانی به استقلال و پرچم ایران علاقمند است. سخنان پرا کوتاه کرده و میگویم که، باید در این کنگره آنچنان تصمیمی بگیریم که نسل آینده‌مان برای ما رحمت فرستاده و از ما نفرت نکند. زنده باد استقلال ایران! زنده باد خواسته‌های حق آذربایجان. (گفزدنها)

سیس به آقای شبستری رهبر بزرگ و عضو کمیته مرکزی فرقه دموکرات اجازه صحبت داده

میشود.

آقای شبستری: درس زمین وسیعی مانند ایران ۳۰۰ میلیون نفر میتواند زندگی بکند، ولی در نتیجه بی عدالتی در ایران بیشتر از ۶۰ یا ۷۵ میلیون نفر جمعیت موجود نیست. در ۴۰ سال پیش خلق آذربایجان قیام کرده و برای ایران آزادی کسب نمود. آن موقع مرکز آزادی آذر - بایجان بود. در آن زمان وقتی آزادی و مشروطیت گرفته شد، حالتی زنده داشت و خلقمان توانست تا حدودی از آن استفاده نماید ولی زمانیکه مرکزیت مشروطه به تهران انتقال یافت مشروطه و آزادی، البته رنگ دیگری بخود گرفته و بیشتر از زمان استبداد به مردم ظلم و فشار وارد آمد. تا شهریور، خلقمان بوسیله پهلوی ها و جوجه دیکتاتورهای گرد آمده بدور آنها، در نهایت فشار زندگی میکردند. بعد از شهریور طرفداران پهلوی مملکت را ویران و ملت را زیر اسارت گرفته و میبیشید که امنیت مان را به چه وضع فلاکت باری انداخته اند.

خلق آزادیخواه و دموکراتان ۴ سال بعد از شهریور در حال انتظار بسر برده و چون تا حال نتیجه‌ای نگرفته اند، اولین بیانیه فرقه دموکرات را داده و امروز برای کسب حقوق خود کنگره خلق تشکیل شده و آرزوهای خلقمان را عملی خواهد کرد. (گفزدنها پسر و صدا)
 آقای افتخاری نماینده سردرود: از طرف ۳۶ هزار نفر اهالی ۴۸ روستا، بشما سلام آورده و به کنگره خلق تبریک میگویم، انتخابات قبلی ایران غلط اجرا شده بود. در مجلس

ملت نمینوان خرید و فروش قند و شکر ، تخم مرغ ، سیب زمینی و لاستیک انجام داد . در مجلس اشخاصی که نگران حال ملت باشند ، لازم است . اینها خودشان هم میدانند که غلط کار میکنند و ندیده همان طرز کار نمایندگان است که قندای تفنگهای زاندارمها بر سر ما فرود میآید . ما به جنایات این حکومت ارتجاعی حائمه داده و انجمن های ایالتی و ولایتی خودمان را بوجود خواهیم آورد .

خلیل آذر از طرف ملیک کندی : از طرف ملیک کندی و حومه آن به کنگره سلامهای آتشین عزیر میکنم . ما اجرای قانون اساسی را خواستاریم . دولت ارتجاعی دست از سر ملت آذربایجان بردارد . رفع این فجایع و ظلم ها را بوسیله قرارهاشیکه از طرف این کنگره خلق گرفته شده خواهانیم ، ما انتقام و خونبهای جوان ۲۰ ساله ای را که چند روز پیش در ملیک کندی بقتل رسیده است خواستار بوده و همچنین خواستار تسلیم قاتلین او به محکمه ملی میباشیم . زنده باد استقلال ایران ، زنده باد سعادت و خوشبختی آینده آذربایجان .

آقای یزدانی نماینده خوی سفارشات یک پیرزن را که به آقای پیشه‌وری یک جفت جوراب فرستاده بود ، اظهار میدارد . آن پیرزن گفته که از رهبر شما خواهش مندم که ما وجه های مارا از ظلم زاندارمها خلاص نماید . در حائمه اضافه میکند ، زنده باد مختاریت ملی آذربایجان . آقای پیشه‌وری به هدیه جوراب از طرف یک پیرزن اشاره کرده و میگوید : من افتخار میکنم که این یک جفت جوراب را به موزه آینده آذربایجان فرستاده و احساسات مادران و خواهرانمان را زنده نگهداریم . بگذار دختران مهندس و زنان دکتر آینده مان تحفه ی خواهران بیسواد خوشی ما را دیده و از احساسات آنان سرمشق بگیرند .

یکی از نمایندگان اردبیل آقای جودت صحبت میکند : درباره یشاه گاههای صفوی که ۳۰۰ سال پیش در کدوک ساخته شده و اشاره به ویران و بدبخت ماندن ایران میکنند و اظهار میدارد که سه روز در کدوک بوده ، و میگوید : ملت آذربایجان دردهایشان را میدانند و از کنگره فقط انتظار عمل دارند . من در آخر میگویم : زنده باد ایران و آذربایجان .

آقای فتاحی نماینده مشکین اظهار داشت : از صمیم قلب برای کنگره تبریک میگویم . فرزند شرافتمند آذربایجان مرحوم دکتر ارانی میگوید : ملتی که زندگی میکند مجبوره اصلاح محیط اجتماعی خود میباشد . برای ما بهداشت و فرهنگ لازم است ، برای ما یک فرقه ای که بتواند احتیاجات ملتمان را تأمین نماید ، لازم است . بنظر من در حال حاضر برای ملت آذربایجان مجلس ملی افضل تر و لازم تر از انجمن های ایالتی و ولایتی میباشد . من میگویم زنده باد جوانان شجاع آذربایجان که میخواهند سرزمین خودشان را از فلاکت نجات بدهند . (کف زدن ها)

آقای اسحق نماینده ماکو : رفقا سلام ، (کف زدن ها) من خوشوقتم که با آزادبخوا-
هان آذربایجان در یک جلسه شرکت میکنم . بقول سعدی (سرکه نه در راه عزیزان بود-
بار گرانی است کشیدن بدوش) سر باید در راه وطن از دست برود . در ضمن صحبت درباره
حکومت ملی از سخنان حضرت علی ذکر نموده و نتیجه گرفتند که انسان در سایه پتخه خود ت قسی
میکند . چون وقت تمام شده بود به سخنان آقای اسحق خاتمه داده شد .

آقای خرمدل نماینده کیریت سازی : انجمن های ایالتی و ولایتی بمعنای جداشدن از
مرکز نیست . ما به مجلس شورای ملی نماینده فرستاده و از مجلس هم قطع رابطه نمیکنیم .
ولی بنظر من انجمن های ایالتی و ولایتی نمیتواند چاره ای برای دردهای ما باشد . در آخر
میگویم : زنده باد مجلس ملی آذربایجان ، ما باید مجلس ملی خودمان را تشکیل دهیم .

آقای خورشیدی : حرفهای من خطاب بدشمنان است . ما از ایران جدا نخواهیم شد . ایران
مال ماست و ما هم مال ایرانیم . ولی انجمن ها یکی از مواد قانون اساسی میباشد . دولت
باید به خلق تکیه کند ، دولت ما ابداً بخلق تکیه ندارد . زنده باد استقلال ایران و فرقه
دموکرات آذربایجان !

آقای پیشه‌وری : این جلسه کنگره ملت است در این کنگره فقط باید قرار و تصمیم گرفته
شود . در این کنگره ستم‌دیدگان سرنیزه را ندارم ، شرکت کرده‌اند . به تهمت‌های رادیو ترکیه
اعتناش نکرده و کنگره کسب آزادی ملت آذربایجان را میخواهد . ببینیم شعارهای مادرست است
یا نه ، ببینیم برای ما مختاریت لازم است یا نه ، در این جا کارگران و روستاییان میتوانند
حرفهایشان را بزنند ولی در مجلس ، نمایندگان ما بمانند کوسفند میباشند ، ما دارای کادر
هستیم و این جلسه آنرا ثابت میکند ، جریان روز ، رهبری خود را بوجود میآورد .

آقای زمانی : از طرف محال هشتروند تبریک میگویم ، بجای انجمن ایالتی و ولایتی ، مجلس
ملی ضروری است ، زنده باد ایران و آذربایجان (کف زدن ها)

آقای پنبه - حسن علی خیراللهی ، شعری از شمس تبریزی خوانده و پیشنهاد میکند که این
مجسمه استبداد را از باغ گلستان بردارند . برای ما مختاریت لازم است ، ما آنرا میتوانیم
بگیریم و برای ما نمیتوانند مانع بتراشند .

آقای سعیدی نماینده اورومیه (رضاییه - م .) : سلام و تبریک گفته ، راجع به
مختاریت صحبت کرده و اظهار داشتند که ما بهتر از هر کس دیگر میتوانیم خانه خودمان را اداره
بکنیم . کسانیکه به ما تهمت میزنند فقط قصد خفه کردن ملت آذربایجان را دارند ، من از
طایفه افتخاری هستم ، وی راجع به زبان آذربایجانی صحبت کردند ، من بر این عقیده‌ام که

آذربایجان بعد از اصلاح خودش ایران را نیز اصلاح کند و ایران را يك مملکت آبرومندی گرداند . آذربایجان بشابه سر ایران میباشد . زنده باد آذربایجان و خودمختاری ملی مان . آقای بی ریا - از طرف نمایندگان و کارگران محترم ارسباران سفارش شده که بایسن کنگره تبریک بگویم . ما از طرف زحمتکشان ارسباران که در زیر پنجه های فرمانداری مثل صفوی و دکتر فاسغان ، این عناصر کدیف ، از بین میروند باین کنگره با عظمت تبریک میگویم . سپس آقای بی ریا بنا به پیشنهاد پنبه ای یکی از شعرهای قدیمی خود را بنام " شاه قاجرها " خواند و در ضمن اضافه کرد : درست است که پشت سرم ده نباید حرف زد ولی آن مرحوم بلائی بسر ما آورده است که تاقیامت از یادمان نخواهد رفت .

هلال ناصری - مجلس موسان ، اساس مشروطیت ما است . شما باین مسئله اهمیت قائل شوید ، این جلسه هم مانند مجلس موسان میباشد و شما نماینده ۵ میلیون جمعیت هستید . من پیشنهاد میکنم که این مجلس موسان بجای انجمن های ولایتی و ایالتی ، مجلس ملی را تشکیل بدهد . بما آزادی نداده اند ، بنا بر این در آن مختاریت هم است ، بدین جهت کنگره باید تصمیم قطعی بگیرد . وی مسئله " دهقان و بزاز " را شرح داد و حاضرین خندیدند . زنده باد قشون سلح مان .

کردها برای ما نماینده ای فرستاده اند که متأسفانه در اثر برف و سرما مریض شده و در مریضخانه بستری میباشد . آقای نوبری پیام کردها را به کنگره میرساند . آقای نوبری : آقای حاجی مصطفی داودی از طرف اکراد به کنگره ما نماینده فرستاده شده و به ما قول میدهند که هر دقیقه ای که لازم باشد و برای آذربایجان پیش آمدی رخ دهد ، ما حاضر به کمک هستیم . (کف زدن های ممتد)

چشم آذر : ۳۹ سال پیش در ایران انجمن های ایالتی و ولایتی تشکیل شده بود . ما این مجلس را مجلس ملی نامگذاری میکنیم . برای تأمین خودمختاری ملی در آذربایجان باید ارتش ملی سلح تشکیل شود . (کف زدن ها) . زنده باد مختاریت آذربایجان و زبان ملی مان (کف زدن ها) در این موقع آقای داودی (نماینده کردها) وارد جلسه میشوند (کف زدن های ممتد) آقای داودی درخواست کرد که بزبان خود صحبت کند . آقای پیشه‌وری اظهار داشت ، خیلی خوشحالیم بفرمائید و با زبان ملی خودتان حرف بزنید . داودی شروع به صحبت میکند (کف زدن ها)

آقای نوبری سخنرانی آقای داودی را ترجمه میکنم : قبلا خود و رفیقش میرزا مناف کریم - خانی را معرفی کرده و اضافه میکند : ما ایرانی هستیم و به تجزیه ایران راضی نیستیم . ما بر اثر فشار و ظلم ما مودین دولتی مجبور شدیم برای آزادی ملتمان فرقه دموکرات کردستان و فرقه دموکرات آذربایجان را تشکیل دهیم و این دو فرقه برای تشریک مساعی همیشه همفکر خواهد

بود .

آقای پیشه‌وری : حکومت تهران کارها را به وضعی انداخته است که باید کنگره گامهای موثری بردارد . حکومت تهران بجای اینکه به ملت آذربایجان رجوع کند به مقامات خارجی متوسل میشود . مسئله آذربایجان باید در تبریز حل گردد . يك خلق باید قادر برای زنده کردن حق خود باشد .

در لندن ، در ترکیه ، مسئله آذربایجان حل نمیشود ، کار ما فقط در آذربایجان و در این کنگره میتواند حل گردد . ما با دول متفقین دوست هستیم ولی همانطوریکه آنها در مسائل خود به دیگران حق دخالت نمیدهند ، ما نیز به هیچ کس اختیار نمیدهیم که در امور ما دخالت کند . احتیاج ما فقط زبان نیست ، ما به اقتصاد ، فرهنگ ، صنایع و غیره احتیاج داریم . ما خود مختاری برای ملتی که نام آذربایجان را با خود دارد ، که شامل زنجان و اطراف همدان نیز میشود ، خواستاریم . ما راجع به فتقاشیها یا آنهاشیکه در مشهد بزبان آذربایجانی صحبت میکنند حرفی نداریم ، من بخانه خودم علاقه دارم و اداره این خانه ، گرم کردن آن ، سفید کاری دیوارها ، درست کردن پنجره آنهام بعهد من است . ما نمیخواهیم روی قبر پدرانمان خارجیها قدم بزنند و بر ما حاکمیت بکنند . شما هر اسمی میخواهید بگذارید ، ما باید چنان مجلسی تشکیل بدهیم که مشکل از آذربایجانها باشد . توپ و تانکهای مرتجعین باید از روی نقش ما رد شوند تا بتوانند آزادی ما را برهم بزنند .

حالا پیشنهاد آمده است که يك کمیسیون ۵ نفری انتخاب شده ، قرارهایی تنظیم نمایند که بعد از ظهر به کنگره تحویل بدهند ، به نظر من سه قرار باید تنظیم گردد :

- ۱ - نظارت بر انتخابات مجلس .
- ۲ - اطلاع دادن خواستها یمان به دولتهای دنیا و به خلق ایران بویژه به خلق آذربایجان .
- ۳ - چگونگی انتخابات مجلس آینده و نظامنامه آن و انجمن ها و تعداد نمایندگان و محل آن باید در اینجا تعیین گردد .

بطور مستقیم ، يك میلیون ونیم از خلق در این کنگره شرکت کرده اند ، این کنگره ما اراده خلق آذربایجان میباشد . قرارهای اتخاذ شده در اینجا ، قرارهای خلق آذربایجان است ، باید نهایت دقت بشود تا دارای يك هیئت یا کمیته ملی باشیم ، تا از هر جهت بد قاع و رفع مشکلات بپردازد ، بعد نمایندگان فرستاده شده به مجلس آنرا به خلق اطلاع خواهند داد . ماکفته های خودمان را باید به مرحله عمل در آوریم ، کار دیگری لازم نیست . یکی هم مسئله انتخابات است . برای نوشتن قرارها يك کمیسیون ۵ نفری انتخاب شد . سپس آقای پیشه‌وری جواب تبریک

خلق کرد را داده و چنین گفت: «اکراد خانواده‌ای از آذربایجان هستند - بین ما و آنها نمیتوانند ایجاد نفاق کنند - سلام ما را به آقای قاضی محمد و خلق کرد برسانید».

بدین ترتیب کنکره خلق تبدیل به مجلس موسسان گردیده و پایه های نهفت آینه ریخته شد.

مجلس ملی

بلافاصله بعد از خاتمه کنکره بزرگ خلق، آمادگی برای انتخابات مجلس ملی شروع شد. هیئت نظاری که از طرف هیئت ملی انتخاب شده بود، تحت ریاست آقای قیامی بر اساس یک برنا معین شده شروع به فعالیت میکند. در عرض ۵ روز در هر نقطه از آذربایجان کارها میبایست شروع و خاتمه پیدا میکرد. فرقه مبارزه انتخاباتی را بصورتی ساده ترتیب داد. در همه جا از طرف کمیته ها و انجمن ها، کاندیدهای معرفی شدند. قدرت تبلیغاتی و تشکیلاتی فرقه بآن اندازه بود که هر کسی را میخواست، میتوانست انتخاب کند. ولی بادر نظر گرفتن آزادی انتخابات به کسانی که عضو فرقه نبودند نیز فرصت داده شد تا خودشان را کاندید کنند و حتی به اعضا فرقه دستور داده شد که به کاندیدهای بی طرف مورد اعتماد نیز رای بدهند. انتخابات مجلس ملی یک اقدام سیاسی بزرگی بود. ما اصول یوسیده ای را که سالهای سال بکار برده میشد، یکبار به طور انداخته و بر اساس یک نظام جدید انتخابات دموکراتیکی را انجام دادیم.

در این انتخابات شرکت عموم مردم را، چه زن و چه مرد، بموجب همان نظامنامه تامین کردیم. ما رسوم قبلی را که خلق را بوسیله پول و تهدید و تلمیع حق و اختیارش را سلب میکردند، از میان برداشتیم. جهت کوتاه کردن دست مأمورین دولتی از انتخابات و انجام آن بطور مستقیم، آزاد و مساوی در تمام حوزه های انتخاباتی تجدید نظر بعمل آوردیم. در هر شهر، بخش، قصبه و حتی در هر محله کسانی که ساکن آنجا بودند این امکان داده شد که مستقیم و آزاد رای خود را بدهند. خلق دعوت فرقه مان را با شور و شغف استقبال کرد. کسانی که تا آن موقع در هیچ انتخاباتی شرکت نکرده بودند، دسته دسته آمده و با دادن رای خود شریک بودن خود را در افکار ملی مان و حتی در کوشش شعور ملی خودشان را ثابت کردند. بویژه شور و شوق زنان بی اندازه زیاد بود. جوانان، سالمندان، فقیر و ثروتمند، همگی سعادت خود را در اجرای انتخابات درست دانسته و در دادن آرا، بیکی دیگر سبقت میجستند. اهالی